

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع تحقیق :

نقش روحانیت در انقلاب اسلامی ایران

تهیه کننده :

وحید فرخوند

دبیر : آقای شایق

مدرسه استاد شهریار

کلاس سوم ۴

فهرست مطالب

- ۱ ----- نقش اسلام و روحانیت
- ۲ ----- ضرورت حضور روحانیت در صحنه
- ۳ ----- حساسیت مضاعف عملکرد روحانیت
- ۴ ----- وارثان انقلاب
- ۵ ----- اساس پذیرش پست و مقام
- ۶ ----- چند سوال



امروز هم در برابر مسئله روحانیت و حضور اسلام در انقلاب و در جهت گیریهای سیاسی، چنین شرایطی داریم. اصل شکل گرفتن انقلاب يك مرحله است و مرحله شکوفایی انقلاب و تداوم و صدور آن به دنیا مرحله بسیار حساس و مهم و سرنوشت ساز ما امت است. اگر در دیروز پیروزی انقلاب به دخالت روحانیت در سیاست نیاز داشتیم، در امروز تداوم انقلاب و آینده صدور آن هم به دخالت روحانیت متعهد و مبارز در جریانهای سیاسی و اجتماعی و انقلابی جامعه نیازمندیم.

حضرت امام (ره) در این مورد تأکید کرده اند و فرموده اند: برای مردم بگویند تا بدانند که توطئه گران پشت پرده دست اندر کارند تا بار دیگر روحانیت را از صحنه بیرون کنند، همان طور که در زمان مشروطه چنین توطئه ای وجود داشت.

ایشان فرموده اند: تازه مسئله مشروطه نسبت به انقلاب اسلامی ما اصلاً قابل مقایسه نیست، برای اینکه آن سرمایه گذاری عظیمی که ملت ما و اسلام و روحانیت ما برای شکوفایی این انقلاب کرده و دهها هزار شهیدی که داده و صدمات و خسارات و لطماتی که دیده است به هیچ وجه با آنچه که در مشروطه انجام گرفت قابل مقایسه نیست. این انقلاب برای ما بسیار گران تمام شده و لذا ارزش این انقلاب هم بسیار عظیم تر است.

در انقلاب مشروطیت بعد از آنکه روحانیت و اسلام نقش خود را ایفا کرد و آن انقلاب را به وجود آورد رفته رفته عواملی شروع به توطئه کردند تا روحانیت را از صحنه بیرون کنند، بطوریکه در دوره اول مجلس عده ای از روحانیان در مجلس بودند، اما در دوره دوم تعداد روحانیان در مجلس کم شد و به تدریج دخالت روحانیان در مسائل اجتماعی و حکومتی و سیاسی کمتر و کمتر شد. آنقدر سمپاشی و تبلیغات کردند تا به تدریج روحانیت و اسلام کنار گذاشته شد و بار

دیگر گفتند اسلام برای مساجد است و روحانیان هم کارشان مسئله گفتن و درس گفتن در حوزه های درس است. و حداکثر مسألی را که برای روحانیت گذاشتند ، مسئله عقد و ازدواج و یا احیاناً نوشتن اسناد و از این قبیل مسأل بود. غربزده ها گفتند ما روشنفکرانی هستیم که از معلومات و اطلاعات و فرهنگ غرب استفاده کرده ایم و می دانیم چگونه مدیریت کنیم و جامعه و حکومت را اداره کنیم.

روحانیت را که از صحنه بیرون کردند بعد وقتی چشم مردم باز شد دیدند که فلان السلطنه ها و الدوله ها حاکم شده اند و به تدریج حاصل انقلاب مشروطیت لقمه چرب و نرمی در دهان استعمار غرب شد و در خدمت سلطه گران و امپریالیستهای جهان قرار گرفت. این ملت را از هویت مکتبی و اسلامی و انقلابی خود تهی تجربه تلخ گذشته تکرار شود؛ باید حضور اسلام و روحانیت را در خدمات انقلابی و در ارگانهای اجرایی و حکومتی حفظ کنیم.

البته حق همه مردم است ، این مردم انقلاب کردند. قشرها و جناحهای مختلف اجتماعی که در خط اسلام و انقلاب و امام بوده اند جان داده اند ، شهید داده اند و امروز هم خود وارث این انقلاب و این حکومت هستند.

ضرورت حضور روحانیت در صحنه

روحانیتی که تا دیروز به طور مسئولانه يك حالت نظات و انتقاد و احیاناً پرخاش داشت ، اکنون باید در بطن نظام مسئولیت بپذیرد.

نمی خواهم بگویم تمام نظارت در دست روحانیت قرار بگیرد ، می خواهم بگویم باید در بطن نظام مسئولیت بپذیرد و آماده پذیرفتن مسئولیت اجرایی و سیاسی و حکومتی و شهادت سیاسی باشد.

بعضیها می گویند انتحار سیاسی ، ولی ما می خواهیم آن را شهادت سیاسی تعبیر کنیم. چون بیرون گود نشستن و گاهی انتقاد کردن و بیانیه صادر کردن بسیار آسان است. خیلی از افراد چون بیرون گود هستند ممکن است با چهره انقلابی و محبوب و روشنفکری و از این قبیل چیزها معرفی شوند ، اما وقتی وارد نظام شدند و مسئولیت روی دوششان افتاد آن وقت با انواع مشکلات و نابسامانیها دست و پنجه نرم می کنند و در معرض انواع تهمتها و توقعات و اتهامات و شایعات واقع می شوند. اگر بناست نظام ، اسلامی باشد و هویت اسلامی در بطن نظام ریشه بدواند ، روحانیت متعهد هم بایستی در بطن نظام مسئولیت بپذیرد ولو اینکه با انواع ناراحتیها همراه باشد ، و ما آماده ایم و آماده اند و باید آماده باشند.

حساسیت مضاعف عملکرد روحانیت

در عین حال بایستی با بیداری و هوشیاری هرچه بیشتر مواظب باشیم و مواظب باشند که گرفتار لغزش و انحراف نشویم ، چون لغزش تا دیروز خطرش بسیار کمتر بود. امروز روحانیت در بطن نظام مثل اسلام است. مسلمانان ایرانی تا قبل از پیروزی هر چند هم جامعه شان فاسد بود ، اما آفت فساد مستقیماً گریبانگیر اسلام نمی شد.

اگر بازار کشاورزی و صنعتش خراب بود ، اگر در اداره اش بی عدالتی و تبعیض بود ، می گفتیم تقصیر اسلام نیست ، نظام منفور شاهنشاهی است که دارد اداره می کند و مقصر هر نوع فساد و بی عدالتی را حکومت می دانستیم و از اسلام دفاع می کردیم. واقعا در کشورهای دیگر که ما می گفتیم اسلام عدالت است و آنها می گفتند ((چرا در کشور شما عدالت و راستگویی نیست ، چرا خیانت وجود دارد ؟)) می گفتیم تقصیر نظام است؛ رژیم ، اسلامی نیست. اما اگر امروز گفتند ((چرا اداره شما چنین و چنان است ، چرا بازار چنان است ، چرا صنعت اشکال دارد؟))

چه پاسخی خواهیم داد؟ لذا به دنبال پیروزی این انقلاب ، حیثیت اسلام در گرو عملکرد نظام ما در این کشور است.

همه کسانی که به عنوان سمبل‌های اسلام و علاقه مندان به آن مومنان و افراد متعهد اسلامی شناخته می شوند ، امروز برد و اثر عمل آنها در جهان ، حتی عم شخصی و خانوادگی آنها ، چندین برابر اثر عملشان در دیروز شده است. الان يك مسلمان که وارد مسجد می شود و نماز می خواند و می گوید من مسلمان و مومن هستم ، حتی عملی که در خانواده اش انجام می دهد و نحوه برخورد اخلاقی او در جامعه ، موج و اثرش برای اسلام در جهان خیلی بیشتر از سالهای قبل است. همراه با موج انقلاب ما ، عملکرد و اخلاق و رفتار ما پخش می شود ، مثل تلویزیونها و بلندگوها که تصویر و صدا را پخش می کنند: اگر بلندگو نباشد موج صدا تا جلوی در می رود ، اما يك بلندگو و سیستم قوی صوتی ، صدا را به تمام بازار و خیابان می رساند صدا همان صدا است، ولی موجش منطقه وسیعی را می گیرد. حال ، اگر همین صدا را از رادیو یا تلویزیون پخش کنند ، اثر و بردش چقدر زیادتر خواهد شد.

الان دقیقا همین طور است. عمل و رفتار ما ، قوانینی که وضع می کنیم ، انتخاباتی که برگزار می کنیم ، موضعی که می گیریم و تفسیری که می کنیم ، با بلندگوهای قوی به اعماق دنیا وصل شده است ، لذا اثرش بسیار بسیار وسیع تر و نافذتر است. بنابر این باید مراقبت و احساس مسئولیت بیشتری بکنیم.

وارثان انقلاب

امروز وارث انقلاب برای مستضعفان ، ملت بپاخاسته ، مردم مخلص و معتقد است و باید بتوانند در ارگانهای اجرایی و حکومتی حضور و نقش داشته باشند. تعهد انقلابی و مکتبی آنها مجوز آن است که در آموزش و پرورش ، دانشگاهها و وزارتخانه ها راه پیدا کنند. این انقلاب را این مردم و این جوانهای مسلمان و مستضعفان مومن به

اسلام و انقلاب کرده اند و خود اینها وارث این انقلاب هستند و باید به نهادهای حکومتی و آموزشی و اجرایی راه یابند و باید انقلاب خود را حفظ کنند.

چگونه است وقتی که در خواست بسیج می شود همین توده محروم و مستضعف آماده می شوند و حرکت می کنند و برای مبارزه و کارزار به جبهه های جنگ می روند , وقتی صحبت از سپاه و جهاد سازندگی و نهضت سواد آموزی می شود باز هم همین جوانهای مسلمان و انقلابی ما برای فداکاری در روستاها و برای عمران و آبادی آماده می شوند و هیچ صحبتی از اینکه آیا برای ما پستی , درآمدی و رفاه زندگی هست به میان نمی آورند; می گویند ما می خواهیم از اسلام دفاع کنیم , خط امام را حاکم سازیم و از دستاوردهای این انقلاب عظیم و مقدس و شکوهمند پاسداری کنیم آنوقت وقتی نوبت به وزارت , مدیر کلی , اداره سفارتخانه ها و نمایندگی مجلس می رسد , آیا وزارتها و کالتهای و پستهای کلیدی و حساس هم نباید در خدمت جوانان مسلمان و رزمنده و مستضعف و انقلابی ما باشد ؟ همین طور هم هست و باید باشد. لذا وزرا و مسئولان مملکتی ما از توده مسلمان و انقلابی بر می خیزند؟ البته نمی خواهیم بگوییم که قشرهای دیگر جامعه حق زندگی ندارند , آنها هم می توانند اشتغال داشته باشند و از امکانات آموزشی و دانشگاهی و سایر امکانات استفاده کنند , این مملکت و این نظام متعلق به همه مردم است و از برکات این نظام همه مردم باید استفاده کنند; اما اگر کسانی نسبت به انقلاب دشمنی دارند , نسبت به اسلام تعهد ندارند و به خط راستین و شکوهمند امام به سوی حاکمیت الهه معتقد نیستند توقع هم نداشته باشند که پستهای کلیدی و کارهای اساسی به آنها سپرده شود.

اساس پذیرش پست و مقام

روحانیت متعهد و مبارز احساس مسئولیت می کند; مسئله پست و مقام مطرح نیست. اینها مسئولیت اصیل و ریشه دار اجتماعی خود را احساس کردند; احساس

مسئولیت می کنند که خدمت و تبلیغ و ارشاد کنند و در مسائل سیاسی و اجتماعی وارد شوند. و بر امت مسلمان است که با هوشیاری و همکاری و انسجام ، پاسدار انقلاب عظیم خود باشند و بدانند که انواع و اقسام توطئه های مرئی و نامرئی و دانسته و نادانسته برای مخدوش کردن و سرکوب انقلاب وجود دارد که از جمله این توطئه ها بیرون راندن روحانیت از صحنه سیاست است.

مردم رشد و شعور و آگاهی خود را حفظ کرده اند تا بتوانند در برابر توطئه های مرئی و نامرئی مقاومت کنند و از هر گونه اخلال و خدشه ای که می خواهد در صفوف منسجم و متشکل ملت رزمنده و بپا خاسته ما به وجود آید جلوگیری کنند تا ان شاء الله اسلام و این انقلاب عظیم برای ما و برای تاریخ ما بماند و برای نسل ما سرنوشت ساز و آینده ساز ، و برای مردم مستضعف و محروم دنیا پیام دهنده و رسالت آفرین باشد. ان شاء الله به یاری پروردگار و با استمداد از عنایات الهی این همکاری و هماهنگی و هوشیاری در بین ملت ما باقی خواهد ماند .

چند سوال

نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران را تبیین نمایید ؟

اولا انقلاب اسلامی ایران با رویکرد عموم اقشار مردم ایجاد شد و با همین رویکرد نیز به پیروزی رسید و لذا به هیچ گروه خاصی اختصاص ندارد و لکن بدان جهت که رویکرد فرهنگی در جهت دهی انقلاب و پیروزی آن بسیار مهم بوده و نقش اول را به خود اختصاص داده است متولیان فرهنگی و بویژه فرهنگی دینی و مبلغان معارف اسلامی که در قالب تقسیمات کارشناسی به کارشناسان علوم دینی مشهورند در پیروز یو هدایت و رهبری حرکت های مردمی و تطبیق آنها با عملکرد مردم بسیار موثر بودند و از این جهت نیز مردم روحانیت را در صف اول پیروزی انقلاب مشاهده نموده و با صف شکنی آنان نیز باور داشته و خود را دنباله رو آنان در پیروزی می دانستند و همچنان نیز بر آن باورند.

البته با وجود پیشگامی روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران که يك حقيقت انكار ناپذیر است لکن این قشر مورد اعتماد مردم در مسیر انقلاب و حرکت های آن هرگز خود را صاحب اختیار انقلاب ندانسته و نمی داند بلکه این پیروزی متعلق به اراده عموم مردم و خواست و اراده خداوند و عنایات ولي اعظم الهی وجود مقدس امام عصر(ع) می دانند.

س ۲: به نظر شما نقش روحانیت از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون چگونه بوده است؟

به رغم تلاش دشمنان داخلی و خارجی و بدخواهان نظام و مردم در راستای جدایی مردم از روحانیت و ایجاد بدبینی در میان مردم نسبت به روحانیت که در حقیقت تلاش برای جدایی دین از سیاست بوده و هست اما هنوز روحانیت نقش مهمی در جامعه و در نظام اسلامی دارد البته مقصود از نقش مهم این نیست که نظام اسلامی اسران متکی به روحانیت است و یا همان سخن برخی بدخواهان که حکومت آخوندی شده بلکه مقصود نقش آفرینی روحانیت و مرجعیت در هدایت های فکری و تعیین استراتژی های فرهنگی انقلاب است.

اما به نظر من این نقش آفرینی اگر چه خوب است ولی کافی نیست بلکه حوزه های فراوانتری در مسایل معرفتی و فکری وجود دارد که روحانیت می تواند موثر واقع شود لکن از این ظرفیت هنوز استفاده نشده است.

و عدم استفاده از این ظرفیت نیز معلول دو جهت است: ۱ - عدم ورود روحانیت ۲ - عدم تقاضای دولت ها. که امیدوارم در هر دو مورد با حل مشکلات مورد استفاده قرار گیرد.

س ۳: حضور موثر روحانیت در صحنه های اجتماعی و سیاسی جامعه چگونه باید باشد؟

بعضي ها مي خواهند روحانيت تنها در گوشه اي بنشيند و مردم را نصيحت کند ولي در بدنه اجراي قوانين هيچ دخالتي نکند و اين به طور کامل با مبناي امام راحل و مقام معظم رهبري مخالف است چراکه مطابق صريح سخنان معظم له که فرمودند(شرط لاينفک و ضروري بقای انقلاب و استقلال کشور حضور روحانيت است) حضور فرزیکي در ميدان است نه فقط نصيحت و تاريخ نيز اين مطلب را گواهي مي کند .

مقام معظم رهبري فرمودند:

از صد سال پيش به اين طرف، هر حرکت اصلاحی، مبارزه اجتماعی و سیاسی و هر تحول بزرگی در ايران اتفاق افتاده است، يا رهبران آن ها روحانی بوده‌اند و يا روحانيت جزو رهبران آنها بوده است. تاريخ در مقابل ما است. دشمنان روحانيت در طول شصت سال اخير، هر چه عليه روحانيت تلاش کرده اند ، نتوانسته اند اين موضوع را انکار کنند.

س ۴ : راهکارهاي شما براي حضور موثر روحانيت در صحنه هاي مختلف سياسي اجتماعي و فرهنگي چيست؟

براي حضور موثر روحانيت در صحنه هاي سياسي و اجتماعي و فرهنگي بایستی نکاتي را مورد نظر و دقن قرار دهيم تا با آن مرحله از حضور برسیم و يا از آن مرحله مراقبت نماییم.

الف) خودسازي و تهذيب نفس.

راز و رمز موفقیت روحانيت توجه به تقوا و تهذيب نفس است چرا که تقوا راهگشاي همه امور در همه جهات است و سابقه نوراني روحانيت نيز به خاطر تقوای آنان پر فروغ گردیده است.

ب) حفظ استقلال روحانيت و عدم وابستگی به هيچ حزب و جناح و گروهی .

تاریخ هزار ساله روحانیت که مملو از توفیقات فراوان در مسیر انجام وظیفه است به خاطر استقلال آنها بوده که توانسته اند زبان گویای دین و خواسته های مردم متدین و مسلمان باشند.

(ج) اهل بصیرت بودن و برخورداری از بینش درست در مسایل اجتماعی.

ارزش عالم دینی و روحانیت به قدرت تشخیص درست از دین و انحرافات دینی و اتخاذ موضع درست و بموقع است که شیاطین را از تسلط بر مردم و سواری گرفتن از مردم نومید می سازد.

(د) محوریت وحدت و دعوت مردم به خدا.

یکی از راه های موفقیت روحانیت محور وحدت شدن در میان مردم با رعایت اصول و ضوابط است و راه دیگر موفقیت دعوت همگان به خداوند است که این نیز از اختلاف و تفرقه جلوگیری می کند و اینکه اگر یکصد نفر از انبیا در يك زمان حضور می داشتند هرگز اختلاف نمی کردند برای این است که همه به خدا دعوت می کردند نه به خود.

روحانیت که راه انبیاء را می پیماید و وظیفه پیامبران را در دوران غیبت به عهده دارد بایستی همگان را مطابق پیامبران به خداوند دعوت کند نه به خود.